

## نقد محتوای چند آیه و حدیث

شک کردن به هر موضوع و از آن جمله به موضع های عقیدتی و دینی اساس و پایه دانش، آگهی و حقیقت یابی را تشکیل می دهد. اگر انسان به یک موضوع، اعتقاد کورکورانه داشته باشد و خودش موضوع را بدون راستی آزمایی و تحقیق به درستی آن قبول کند، در حقیقت خود را می فریبد. از سوی دیگر آزادی اندیشه و آزادی بیان حق طبیعی و سرشتین هر انسان است.

ولی کسانی که به دین و آیین خویش عقیده دارند و بدون چون چرا آن را قبول دارند، نیز این حق مسلم شان است.

اما همین کسان نیز باید درک کنند که هر انسان آزاد، آزادی بیان و عقیده دارد و باخاطر روشنگری و خرافه زدایی حق مسلم دارد که یک اندیشه و اعتقاد را با دلیل و منطق نقد کند. آزادی دین به هیچوجه دلیل رد انتقاد از دین نیست. حتا برعکس آزادی عقیده و بیان، بالاتر و برتر از آزادی دین است. یعنی اینکه هیچ فرد نمی تواند کسی را مانع آزادی بیان شود، به ویژه که این عقیده برای روشنگری و بهبود است.

متأسفانه در اسلام آزادی بیان وجود ندارد، و اگر هم وجود دارد در چوکات مقرره ها و قاعده های اسلامی است که انتقاد را نمی پذیرد. یعنی کسی حق ندارد که از دگم های اسلامی انتقاد کند. یا چیزی بگوید که قرآن و حدیث منع کرده است. این را می توان ایستایی فکری در جهان اسلام نامید.

اما، حتا آخندها و ملاها نیز می دانند که بسیاری از احکام قرآن برخاسته از مقرراتی است که در دوران جاهلیت در عربستان وجود داشت، و اسلام آن ها را، یا با کمی تغییر یا هم، به همان شکل که بود، قبول کرده است. مانند مراسم حج، ماههای حرام، قصاص و غیره.

در عمل عقیده دینی ما نیز متأثر از همان دانشی هست که در آن وقت فکر می شد درست است.

من درینجا آیه یی را نقل می کنم که به طور واضح از بی خبر بودن الله از همین کره زمین حکایت دارد. این آیه در اصل بیانگر همان آگهی ها و دانشی است که مردم عرب آن زمان در باره شب و روز در منطقه خویش داشتند.

**آیه 67 سوره یونس است:**

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

ترجمه: اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید] . بی گمان ، در این [ امر ] برای مردمی که می شنوند نشانه هایی است.

یعنی او خدایی است که شب را جهت آرامش و بازیابی قوا برای شما آفرید و روز را برای کسب و کار و اینها نشانه هایی است برای افرادی که بشنوند.

جان سخن این است که این شب و روز در کشور های که مردم در نزدیک شمالگان (قطب شمال) و جنوبگان (قطب جنوب) زندگی می کنند این گونه نیست. ما میدانیم که در آن جاها گاهی دوام شب و روز به شش ماه میرسد.

در سواالبارد ناروی (نروژ) که شمالی ترین منطقه مسکونی قاره اروپا است، از ۱۹ آوریل تا ۲۳ آگوست یعنی ۱۲۷ روز خورشید در آسمان می درخشد. این پدیده هر چه به سمت قطب پیش می رود تشدید شده تا اینکه در نقطه قطب ۶ ماه شب و ۶ ماه روز است، به عبارتی به مدت ۶ ماه خورشید غروب نمی کند (گفتاورد از ویکی پیدی پارسی).

چنین معلوم می شود که الله نمی دانسته که در قطب شمال و جنوب روز و شب، هریک ۶ ماه به درازا می کشد ورنه چرا چنین آیه عمومی را برای بندگان خود فرومی فرستد؟ حالا بندگان شمالگان و جنوبگان چه کنند؟ آیا مردم در آن جاها ۶ ماه را برای آرمیدن و ۶ ماه دیگر برای کار و زحمت مشغول اند؟ زیرا شش ماه روز و ششماه شب است. ما مفهوم شب و روز را بدون توضیح می فهمیم. ولی شب شش ماهه تا در آن بیارامیم خیلی دراز است و روز ششماهه تا کار و زحمت بکشیم هم بی حد طویل است. در حقیقت ممکن نیست ۶ ماه تنها استراحت کرد و ۶ ماه تنها زحمت کشید.

از آن گذشته احکام مانند روزه گرفتن (در ماه روزه) و نماز خواندن (در وقت های نماز) نیز به این ششماه برای یک مسلمان غیر ممکن است. چگونه ممکن است روزی که شش ماه طول می کشد، پنج وقت نماز را تعیین کرد و نماز گزارد، یا شش ماه را که در واقعیت همه اش روز است، روزه گرفت و چیزی نخورد.

چنین مینماید که توجه الله اگر هم این قول کلام الله باشد، تنها منطقه ام القرا (روستای مادر: مکه) و پیرامون آن بوده است. بندگان دیگر را توجه نداشته است. اما از آنجای که هیچ تر و خشکی نیست که در قرآن نباشد، فکر نمیکنم کسی پاسخی از منبع و متن دست اول را که من نیافتم خواهد یافت. برای توضیح می گویم که منبع دست اول برایم قرآن و سپس حدیث است، نه گپ های ملاها رهبران دینی.

البته، کسانی با ماله کشیدن روی این آیه، ماله کشی می کند تا اشتباه الله را درست کنند نه تنها به الله احترام ندارد بلکه هیچ احترامی به عقل و شعور بشر نیز قایل نیستند.

از سوی دیگر اگر فکر کنیم که یک روز مسلمانان به کره ماه سفر کنند و آنجا ماندگار شوند. الله آنها را با این آیه هدایت نخواند توانست. آنان مجبورند با خرد و دانش خویش کار و عمل کنند. چون ما میدانیم که ماه مانند زمین حرکت انتقالی ندارد که شب و روز به نوبت بیایند بلکه یک طرف ما که نور آفتاب به آن می درخشد، دایم روز است و طرف دیگر که نور آفتاب به آن نمی درخشد همیشه شب است. پس، اینکه بگویی اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید]. بی گمان، در این [امر] برای مردمی که می شنوند نشانه هایی است، بی فایده است و پاسخگوی نیاز ما نیست.

**از سوی دیگر این حدیث را منبع دوم اسلام است، بخوانید:**

ابوهریره از این گفته ی پیامبر خبر داد که: خداوند تبارک و تعالی، آدم را با فکر خود و با قدی به بلندی شصت ذرع (بیشتر از ۳۰ متر ساخت، و چون او را ساخت به او دستور داد به گروهی از

فرشتگان که آنجا بودند سلام کند و به واکنش آنها گوش فرا دهد، .... و گفت: «درود بر شما!»  
فرشتگان گفتند: «درود و رحمت خداوند بر تو باد» و آنها «رحمت خداوند» را هم اضافه کردند.

بنابراین هرکس که وارد بهشت شود شکل آدم به خود خواهد گرفت، سپس مردمان پس از او که او را دنبال کردند کوتاه تر شدند تا به اندازه امروزی رسیدند.

منبع:

[۶۲۲۷]-|حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ جَعْفَرٍ، ... عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: "خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ، طُولُهُ سِتُّونَ ذِرَاعًا" ...-  
{پیامبر گفت: خداوند، آدم را آفرید که قامتش، شصت ذراع (۳۰ متر) بود.}-| صحیح مسلم و مسند امام صادق|

ما میدانیم که فرزندان آدم، همدیگر را قرار آنچه که روایات اسلامی می گویند قبر می کرده اند. قبر کردن باعث این می شود که جسد زود پوسیده نشود و به ویژه استخوانها برای هزاران سال به زیر خاک سالم بماند.

این امر قابل باور نیست، تا به حال سنگواره یا فسیل انسانی پیدا نشد که حد اقل 5، 10، 15 یا 20 متر قد داشته باشد، بیشتر از آن را بگذار. در حالیکه قد حضرت آدم بیش از 30 متر بوده و بعد از آن کوتاه شده رفته تا به حالت امروزی رسیده است. اما در هالند و برخی کشور های اروپای بر عکس قد مردم شان از سالهای سده پیشین بلند تر شده است .

اما وقتی که دروغ ها فاش شده می رود، آیا خوب نیست تمام این کتاب ها را به تاق بلند خانه بگذاریم و از آن تنها در زندگی خصوصی خود پیروی نکنیم؟  
میدانم که عده یی می گویند این حدیث موثق نیست. اما همین حدیث ها مردم ما را به گودال جهالت فروبرده است .

آیا منطق بشر حکم نمی کند که وقتی یک، دو، سه و بیشتر قول های کسی نادرست ثابت شود، اعتمادی به گفته های دیگر نباید کرد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود؟

از سوی دیگر امروز که طالبان قدرت را به دست گرفته اند، اسلام را تا حدی که امکان دارد تطبیق می کنند، مردم هم مسلمانند. اما کسانی که بر ضد طالبان هستند، مانند خود طالبان نعره الله اکبر فریاد می کشند و می گویند که حقوق اسلامی شان زیر پا شده است. ما نفهمیدیم که کدام حقوق مسلمانی پامال شده است؟ طالبان در عمل قانون اسلامی تطبیق می کنند.  
البته کسانی که از قرآن و حدیث آگهی ندارند، فکر می کنند که طالبان اسلامی عمل نمی کنند. آنها باید به آگاهیهای های اسلامی خود بیافزایید. آگاهیهای اسلامی کتاب های ملا و آخوند و رهبران دینی نیست. آگاهیهای های اسلامی خواندن قرآن و احادیث بدون واسطه است.

میدانم عده یی این سخنانم را خویش ندارند، اما باید گفت اگر دین میخواستند حکومت طالبی حکومت دینی است. اگر حکومت طالبی را خوش ندارید، باید حکومتی ایجاد کرد که در آن دین کمترین نقش را نداشته باشد. در غیر آن همین دور باطل تکرار می شود و باز هم تکرار خواهد شد.

## ملاها و آخوند ها، وارثان پیامبران

آیا شما خبر ندارید که پیامبر اسلام گفته است که ملاها و آخوند ها وارثان انبیا هستند؟  
اگر پیامبران را پیروی می کنید، هم از وارثان شان پیروی کنید. قرار این هم حدیث علما وارثان پیامبران اند.

ابوداود و ترمذی از ابوالدرداء رضی الله عنه آورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «فضل العالم علی العابد کفضل القمر علی سائر الکواکب، وإن العلماء ورثة الأنبياء، وإن الأنبياء لم یورثوا دیناراً و لا درهماً، إنما ورثوا العلم، فمن أخذہ أخذ بحظ وافر». [ سنن ابن ماجه ( 223 ].

یعنی: «فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت ماه شب چهارده بر دیگر ستاره‌هاست و اینکه علما میراث‌بر پیامبران‌اند و پیامبران در هم و دیناری به میراث نگذاشتند، بلکه علم را به ارث گذاشتند، کسی که آن را گرفت بهره‌ی وافر گرفته است».

من درینجا می‌گویم که بیچاره دانشمندانی غیر اسلامی و غیر دینی که بشر را به برکت دانش و کوشش خود از زمین به افلاک بردند. اما مطابق روایت‌های اسلامی غیر از آتش دوزخ نصیب دانشمندان چیزی دیگر نخواهند بود. باید بگویم که اگر آن دانشمندان به این گپ‌ها عقیده می‌داشتند، بشر را نمی‌توانستند به کیهان بفرستند زیرا آنان تکذیب‌کنندگان هستند.

البته کسانی که در قلمرو زیر تسلط وارثان پیامبران زندگی می‌کنند، حق بیان اندیشه و نظر هم ندارند.

**این آیه می‌گوید که تکذیب‌کنندگان همه هلاک شدند.**

به آیه ۱۳۷ سوره عمران نیز توجه کنید:  
قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَاسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ  
ترجمه:

پیش از شما مردمی بودند و رفتند، پس در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید چگونه تکذیب‌کنندگان (وعده‌های خدا) هلاک شدند.

بسیار خوب. بیایید کمی هم از منطق، دانش و خرد خویش استفاده کنیم. آیا تنها تکذیب‌کنندگان (وعده‌های خدا) هلاک شدند یا هر انسانی میمیرد و سرانجام هلاک می‌شود؟ آیا پادشاهان ستم پیشه اسلامی هلاک نشدند؟

بله. آنانی که پیش از ما بودند و رفتند، ما نیز می‌رویم و بعد از ما نیز خواهند بود و خواهند رفت. جهادگرانی که در قرن اول اسلامی از چین تا اسپانیا را گرفتند و غارت و چپاول کردند، نیز رفتند.

حتا از ۱۲۴ هزار پیامبر که گفته می‌شود به وعده‌های خدا باور داشتند، نیز کسی نماند و همه هلاک شدند. پس بچه ترسانک برای چیست؟

از تکذیب‌کنندگان (وعده‌های خدا) کم از کم آثار باستانی ابدی به جا مانده است مانند اهرام مصر، دیوار چین، و صد ها جاهای دیگر، از جمله مجسمه‌های باستانی بودا در بامیان که جهادگران طالب آن را تخریب کردند. تا جهان گردان به دیدن آنها نیایند و به این کار تیشه به ریشه خود زدند.

باید گفت که درآمد بسیاری از مسلمانان در مصر از برکت همین آثار تکذیب‌کنندگان است که گردشگران از سراسر جهان به دیدن آن آثار باستانی می‌آیند و اقتصاد مصر را کمک می‌کنند. ورنه به دیدن مسجد و تکیه‌خانه هیچکس نخواهد رفت، مگر اینکه ارزش دیدن داشته باشد.